

اثر کیفیت منظر فضاهای عمومی شهری بر تعلق مکانی

مطالعه موردی: دروازه قرآن شیراز

رضایی، فاطمه (دانشگاه شیراز)

شیخ بیگلر، رعنا (دانشگاه شیراز)

اکبریان رونیزی، سعیدرضا (دانشگاه شیراز)

چکیده

فضاهای عمومی شهری عرصه‌ی حضور افراد و تعاملات اجتماعی مردم هستند که در ایجاد حس دلبستگی و بهبود کیفیت زندگی افراد نقش دارند. منظر شهری اولین سطح ارتباط و برخورد شهروندان با محیط شهری است که با اثرگذاری بر ادراک محیط، می‌تواند منجر به ایجاد حس تعلق مکانی به فضاهای شهری شود. دروازه قرآن یکی از فضاهای عمومی شهر شیراز است که به واسطه‌ی ویژگی‌های منحصربه‌فرد بصری و کارکردی، هویت و تشخیص ویژه‌ای برای شهروندان و گردشگران دارد. پژوهش حاضر به بررسی اثر کیفیت منظر محیط دروازه قرآن شیراز بر تعلق مکانی شهروندان پرداخته است. جامعه آماری تحقیق، شهروندان ۱۸ ساله و بزرگتر شهر شیراز است که دست‌کم یک‌بار به‌منظور گذران اوقات فراغت در این فضا حضور داشته‌اند. داده‌ها از طریق تکمیل پرسشنامه از یک نمونه‌ی ۳۸۹ نفری گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری T-تک‌نمونه‌ای، رگرسیون خطی و تحلیل واریانس یک‌طرفه و بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داد که از دیدگاه شهروندان، کیفیت منظر محیط دروازه قرآن در ابعاد پنج‌گانه‌ی آن شامل کیفیت کالبدی، عملکردی، زیباییشناختی، ادراکی و معنایی از سطح متوسط بالاتر است. شهروندان همچنین سطح نسبتاً بالایی از تعلق مکانی را نسبت به محیط دروازه قرآن ابراز داشته‌اند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان داد که کیفیت منظر اثر مثبت و معناداری بر تعلق مکانی دارد به طوری که حدود ۵۴ درصد از واریانس تعلق مکانی شهروندان به دروازه قرآن به وسیله واریانس کیفیت منظر قابل تبیین است.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی شهری، منظر شهری، تعلق مکانی، کیفیت محیط، دروازه قرآن شیراز

The Effect of Landscape Quality of Urban Public Spaces on Place Attachment Case Study: Quran Gate of Shiraz

Urban public spaces serve as arenas for individual presence and social interactions, playing a significant role in fostering a sense of attachment, place identity, and enhancing the overall quality of life. The urban landscape represents the first level of interaction between citizens and the city environment, influencing how people perceive their surroundings and develop a sense of belonging to urban spaces. Quran Gate in Shiraz is one such public urban space that, due to its unique visual and functional characteristics, holds a distinct identity and significance for both

residents and tourists. This study aims to assess the impact of the landscape quality of the Quran Gate environment on citizens' place attachment. The statistical population comprised Shiraz residents aged over 18 who had visited the site at least once for leisure purposes. Data were collected via a questionnaire from a sample of 389 participants and analyzed using one-sample t-tests, linear regression, and one-way ANOVA in SPSS. The results indicate that, from the citizens' perspective, the landscape quality of Quran Gate across five dimensions: physical, functional, aesthetic, perceptual, and symbolic was above average. Residents also reported a relatively high level of place attachment to the site. Furthermore, findings revealed a significant positive effect of landscape quality on place attachment, with approximately 54% of the variance in citizens' place attachment to Quran Gate explained by differences in landscape quality. The present research introduces the Quran Gate and its surrounding environment as an urban public space, whose landscape quality, according to citizens, is at an acceptable level. As a result, it has been able to create or strengthen individuals' sense of place attachment.

Urban public spaces, Urban landscape, Place attachment, Environment quality, Quran Gate of Shiraz

۱- مقدمه

محیط‌های شهری عرصه‌هایی چندوجهی، متنوع، پیچیده و پویا هستند که در کیفیت زندگی شهروندان نقشی اساسی ایفا می‌کنند (شیخ بیگلو، ۱۳۹۶، ص. ۷۷ و ۷۸) و بر رفتار و روابط انسانی تأثیر می‌گذارند. از طرفی، حضور مردم و روابط اجتماعی حاکم بر آنها مهم‌ترین عامل در پویایی فضاهای شهری است (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۳۸). آن دسته از شهرها و فضاهای شهری که از مطلوبیت بصری برخوردار هستند، تجربیات زیباشناختی دلپذیری برای شهروندان فراهم می‌کنند، تصویر ذهنی افراد از مکان را ارتقا می‌دهند، موجب تقویت غرور مدنی آنها می‌شوند و رقابت‌پذیری شهر را در جذب گردشگر و جذب سرمایه تقویت می‌کنند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۳). منظر شهرها بازتابی از ویژگی‌های ملموس و ناملموس محیط شهری است (جعفری‌ها، حیدری و لک، ۱۴۰۲، ص. ۱۳۳) که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر برند شهری داشته باشد (وحیدزادگان و زنگی آبادی، ۱۴۰۰). منظر شهر حاصل ادراک شهروندان از محیطی است که طی زمان در آن محیط زندگی کرده و با عناصر طبیعی و مصنوع آن ارتباط معنایی پیدا کرده‌اند (منصوری، ۱۳۸۹). شهروندان از یک طرف از طریق فعالیت‌هایشان بر منظر شهری تأثیر می‌گذارند و از طرف دیگر، ادراک ذهنی و رفتار آنها در محیط‌های شهری متأثر از کیفیت منظر شهری است (کرو و همکاران^۱، ۲۰۰۶). مناظر شهری در پیوند با طبیعت، با ارائه فضاهای عمومی ضروری، خدمات اکوسیستم و حفظ تنوع زیستی نقش مهمی در

¹. Crow et al

توسعه شهری ایفا می کنند (دوتا، ۲۰۲۴). در واقع، منظر شهری فهم شهروندان از شهر است که به واسطه‌ی ادراک نمادهای آن و تداعی معانی مرتبط با آن صورت می‌گیرد و دارای سه جنبه‌ی زیبایی‌شناختی، فرهنگی- هویتی، و عملکردی است (کریمی مشاور و همکاران، ۱۳۹۴؛ سجاد زاده و وحدت، ۱۳۹۵).

ارتباط منظر شهری با تعلق مکانی موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه جغرافی‌دانان، معماران، شهرسازان و روان‌شناسان محیطی قرار گرفته است (وحدت و ایزدی، ۱۳۹۴). به منظور بررسی نقش کیفیت منظر شهری بر تعلق مکانی لازم است نخست شناخت مناسبی نسبت به ابعاد و مؤلفه‌های منظر حاصل نمود و سپس نقش هر یک از ابعاد و عوامل را در ایجاد تعلق مکانی شهروندان تحلیل نمود (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲). حس تعلق مکانی نتیجه‌ی ادراک خودآگاهانه یا ناخودآگاهانه‌ی افراد از معانی، نمادها و کیفیت یک مکان است و به صورت ارتباط احساسی-عاطفی آنها با مکان بروز می‌کند (نصیری، ۱۳۹۴). جغرافی‌دانان و برنامه‌ریزان شهری معتقدند حس مکان و تعلق مکانی منجر به پایداری محیط سکونت می‌شود (چن و جیم، ۲۰۱۸). از این رو، در طراحی محیط‌های شهری لازم است ضمن تأمین حداکثر کارایی، به افزایش احساس رضایتمندی، تعلق مکانی و هویت مکانی شهروندان توجه نمود (سیاف زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

رابطه و پیوند احساسی-عاطفی بین افراد و مکان‌ها که غالباً با اصطلاحات «تعلق مکانی» و «حس مکان» توصیف می‌شود (شیخ بیگلو، ۱۴۰۲، ص. ۳۷)، در نتیجه‌ی تجربه‌ی فرد در ارتباط با مکان و تعامل با آن شکل می‌گیرد. در واقع، حس مکان نتیجه‌ی ارتباط فرد با محیط اطراف، فهم موقعیت خود در مکان و ادراکات مرتبط با مکان است و چیزی فراتر از ساختارهای فیزیکی-کالبدی است (شاهرودی کلور و همکاران، ۱۳۹۹). تعلق مکانی را می‌توان پیوند عاطفی افراد با محیط‌های خاص دانست، جایی که افراد تمایل به ماندن دارند و احساس راحتی و امنیت می‌کنند (هرناندز و همکاران، ۲۰۰۷؛ رولرو و دی پیکولی، ۲۰۱۰). رابطه‌ی احساسی-عاطفی انسان با مکان متأثر از عوامل مختلفی است. یکی از این عوامل، ویژگی‌های فیزیکی و عینی مکان است که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری احساس مثبت یا منفی نسبت به مکان دارد. جاذبه‌ی بصری و زیباشناختی مکان می‌تواند به ایجاد یک رابطه‌ی احساسی مثبت اولیه با مکان منجر شود. اگر مفهوم نمادهای موجود در مکان برای فرد آشنا و قابل ادراک باشد، رابطه‌ی احساسی عمیق‌تری بین انسان و مکان شکل می‌گیرد. مطلوبیت کارکردی مکان، عامل مهم دیگری در ایجاد این رابطه است (شیخ بیگلو، ۱۴۰۲، ص. ۳۷). رایت^۵ (۲۰۲۴) استدلال می‌کند که احساس تعلق به مکان می‌تواند حتی قوی‌تر از احساس تعلق و وابستگی به افراد باشد.

¹. Dutta

². Chen & Jim

³. Hernández et al

⁴. Rollero, & De Piccoli

⁵. Wright

تاکنون مطالعات محدودی در زمینه اثر منظر شهری بر تعلق مکانی انجام شده است. در واقع، مطالعات پیشین عمدتاً به یکی از این دو مفهوم پرداخته‌اند و ارتباط آنها را با موضوعات و پدیده‌های دیگر بررسی نموده‌اند. از میان تحقیقات مرتبط می‌توان به مطالعه‌ی انجام شده توسط ژو و دو^۱ (۲۰۲۴) اشاره نمود که تأثیر عناصر منظر شهری را بر احساس امنیت و تعلق محلی در تانگدجه، چین بررسی نموده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از همبستگی مثبت بین منظر شهری، تعلق محلی و امنیت، و همچنین تأثیر محیط شهری بر سلامت و بهبود کیفیت زندگی است. ژانگ و همکاران^۲ (۲۰۲۴) نیز پژوهشی با عنوان اثرات مناظر شاخص شهری بر هویت مکان ساکنان با تعدیل‌کنندگی مدت اقامت انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که مناظر شاخص به طور مثبت بر شکل‌گیری هویت مکان ساکنان تأثیر می‌گذارند؛ کالایچی اوناچ و گونلو سوت-چواوغلو^۳ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ی تطبیقی دو مکان شهری در ترکیه دریافتند افرادی که در مناطق کمتر شهرنشین مانند پینارباسی ساکن هستند، نسبت به افرادی که در مرکز شهرنشین شهر کاستامونو زندگی می‌کنند، احساس دلبستگی به مکان قوی‌تری دارند. لیو و همکاران^۴ (۲۰۱۸) با انجام یک مطالعه تطبیقی در سه منطقه ماکائو، فوژو و تایوان، به بررسی تأثیر عناصر محلی بر دلبستگی افراد پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت تلفیق عناصر منظر محلی در طراحی شهری برای تقویت احساس تعلق و ارتباط عاطفی بین ساکنان تأکید دارد. محمدی و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با هدف سنجش حس تعلق مکان از منظر شاخص‌های کالبدی در مورد محله آبشوران شهر کرمانشاه انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بالا بودن کیفیت محیط، منجر به تعلق مکانی قوی‌تر می‌شود. امیری و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به ارزیابی عوامل موثر بر حس تعلق شهروندان به میدان انقلاب بندر بوشهر پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، حس تعلق مکانی با شش عامل اصلی مرتبط است که عبارتند از خاطره انگیزی و تعلق مکانی، دسترسی و خوانایی فضایی، زیبایی بصری و تنوع فضایی، امکان انجام فعالیت‌های متنوع، همه شمولی^۵ و تعامل‌پذیری و حضورپذیری اجتماعی. حمزه و سالک (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی معیارهای طراحی منظر شهری و ارتباط آن با حس تعلق به مکان پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، طراحی منظر شهری با توجه به عوامل ادراکی و روان‌شناختی می‌تواند موجب افزایش رضایت و تعلق شهروندان به محیط زندگی‌شان شود. گرجی پور و لطفی (۱۳۹۵) هویت مکانی شهروندان منطقه هفت شهر اهواز را در ارتباط با کیفیت منظر شهری مورد مطالعه قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت پایین منظر شهری در محله عامری اهواز تأثیر منفی قابل توجهی بر سطح هویت

¹. Zhu, & Du

². Zhang et al

³ Kalaycı Önaç & Gönüllü Sütçüoğlu

⁴. Liu et al

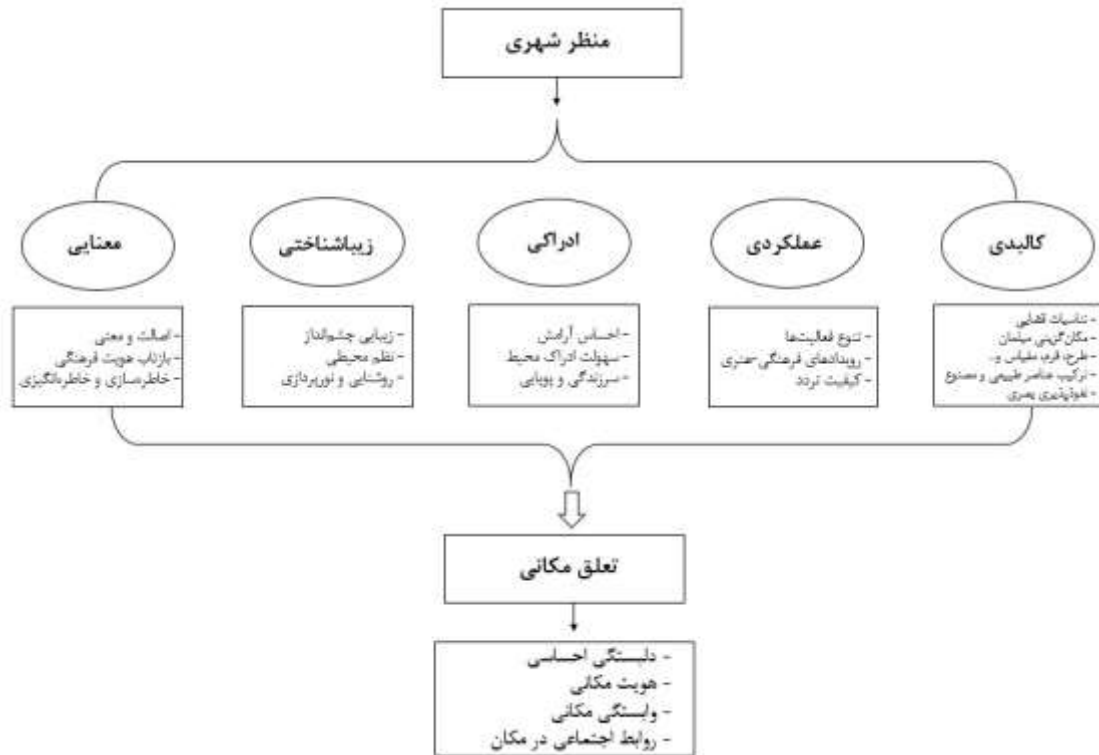
⁵. Inclusiveness

و حس تعلق مکانی ساکنان داشته است. کمیلی (۱۳۹۴) پژوهشی در زمینه‌ی تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان داده است عناصر هویت-بخش مانند بافت تاریخی، نشانه‌های شهری، ویژگی‌های کالبدی و فضای اجتماعی در کیفیت منظر شهری تأثیر قابل توجهی دارند و موجب افزایش حس تعلق مکانی و تعامل بیشتر افراد با محیط می‌شود.

دروازه قرآن شیراز یکی از فضاهای عمومی شهری است که به واسطه‌ی ویژگی‌های منحصربه‌فرد، هم به لحاظ بصری و هم به لحاظ کارکردی، هویت و تشخیص ویژه‌ای برای شهروندان و گردشگران دارد. این مکان که دارای ارزش تاریخی، فرهنگی و نمادین است، از فضاهای شهری واجد معنا در شهر شیراز محسوب می‌شود و در ترکیب با محیط طبیعی پیرامون آن از منظر خاصی برخوردار است. محیط مطلوب شکل گرفته در این محدوده از شهر - که ورودی اصلی شهر شیراز از جانب شمال است - سبب شده تا علاوه بر کارکرد ارتباطی، به صورت یک فضای سرزنده، پویا و اجتماع‌پذیر به عنوان یکی از فضاهای گذران اوقات فراغت شهروندان و گردشگران ایفای نقش کند. نظر به اهمیت منظر فضاها عمومی شهری در ایجاد مطلوبیت محیطی و همچنین، اهمیت تعلق مکانی به عنوان یکی از عوامل قوی زمینه‌ساز برای حفظ و ارتقاء محیط، پژوهش حاضر به بررسی اثر منظر محیط دروازه قرآن بر تعلق مکانی شهروندان پرداخته است.

خلا پژوهشی و نوآوری تحقیق: مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه دو مفهوم «کیفیت منظر شهری» و «تعلق مکانی» به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما اغلب مطالعات این دو سازه را به‌صورت منفک یا در پیوند با متغیرهای واسطی نظیر رضایت، هویت مکانی یا کیفیت زندگی بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی به تحلیل تجربی و مستقیم رابطه علی میان آن‌ها پرداخته است. از سوی دیگر، در بخش قابل توجهی از تحقیقات، کیفیت منظر عمدتاً با تأکید بر ابعاد عینی و کالبدی یا صرفاً زیبایی‌شناختی سنجیده شده و ابعاد ذهنی‌تر همچون ادراک، معنا و تجربه زیسته کاربران مغفول مانده است؛ امری که موجب تقلیل‌گرایی مفهومی در تبیین سازوکارهای ادراک محیطی شده است. بنابراین، خلا نظری-تجربی اصلی در نبود یک چارچوب تحلیلی جامع و چندبعدی است که بتواند هم‌زمان ابعاد مختلف کیفیت منظر را در ارتباط با شکل‌گیری تعلق مکانی مورد آزمون قرار دهد. پژوهش حاضر با اتخاذ مدل پنج‌بعدی (کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی)، این کاستی را برطرف کرده و امکان تبیین یکپارچه‌تر روابط میان انسان و محیط را فراهم می‌سازد. افزون بر این، تمرکز بر دروازه قرآن شیراز به‌عنوان یک فضای عمومی شاخص در ورودی شهر، واجد اهمیت نظری است؛ زیرا این فضا به‌طور هم‌زمان حامل ارزش‌های نمادین، تاریخی، عملکردی و ادراکی بوده و نمونه‌ای مناسب برای تحلیل برهم‌کنش لایه‌های عینی و ذهنی منظر شهری به‌شمار می‌آید. بدین ترتیب، نوآوری تحقیق نه تنها در توسعه رویکرد چندبعدی به سنجش کیفیت منظر، بلکه در آزمون تجربی نقش متمایز هر یک از این

ابعاد در تبیین واریانس تعلق مکانی و ارائه درکی عمیق‌تر از فرآیندهای شکل‌گیری پیوند انسان- مکان قابل تبیین است. مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

۲- متدولوژی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی با رویکرد توصیفی- تحلیلی و روش پیمایش است که به بررسی اثر کیفیت منظر فضاهای عمومی شهری بر تعلق مکانی شهروندان پرداخته است. مورد مطالعه در این پژوهش، منظر دروازه قرآن و محیط پیرامون آن است. داده‌های مورد نیاز تحقیق با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی گردآوری شده است. بدین ترتیب که تدوین چهارچوب نظری و مجموعه متغیرهای مرتبط با موضوع، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفت و به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، اقدام به تکمیل پرسشنامه شد. فرایند گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و در یک بازه زمانی مشخص (ماه‌های اجرای پژوهش) انجام شد؛ به گونه‌ای که نمونه‌گیری در روزهای مختلف هفته (شامل روزهای کاری و تعطیل) و در ساعات متنوع شبانه‌روز (صبح، عصر و شب) صورت گرفت تا ناهمگنی زمانی حضور کاربران و تنوع الگوهای استفاده از فضا پوشش داده شود. جامعه‌ی آماری تحقیق، شهروندان ۱۸ ساله و بزرگتر شهر شیراز است که حداقل یک بار به منظور گذران اوقات فراغت در محیط دروازه قرآن حضور داشته‌اند. فرایند نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انجام

شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن توزیع ۵۰ درصدی صفت در جامعه، سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد محاسبه شده که برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد. به منظور اطمینان بیشتر، تعداد ۴۲۰ پرسشنامه تکمیل شد که از این تعداد، داده‌های حاصل از ۳۸۹ پرسشنامه معتبر و قابل استفاده بود.

پرسشنامه در قالب دو بخش تنظیم شد. بخش نخست حاوی سؤالات مربوط به مشخصات فردی جمعیت نمونه‌ی تحقیق بود. بخش دوم پرسشنامه نیز به سؤالات اصلی تحقیق پیرامون دو متغیر اصلی کیفیت منظر و تعلق مکانی اختصاص داده شد. متغیرهای مربوط به کیفیت منظر برگرفته از مطالعه‌ی از حقی و همکاران (۱۳۹۶) است. کیفیت منظر مشتمل بر پنج بُعد کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی مفهوم‌پردازی شد، به ترتیبی که بُعد کالبدی منظر از طریق ۵ گویه و سایر ابعاد، هر کدام از طریق ۳ گویه تعریف عملیاتی شده‌اند. تعلق مکانی نیز به صورت یک سازه‌ی ۶ آیتمی تعریف شده است که گویه‌های مربوطه از شیخ بیگلر^۱ (۲۰۲۰) اقتباس شده است. متغیرها و گویه‌های مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است. کلیه گویه‌ها در قالب طیف لیکرت با گزینه‌های کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم در پرسشنامه درج شد.

جدول ۱- متغیرها و گویه‌های مورد مطالعه

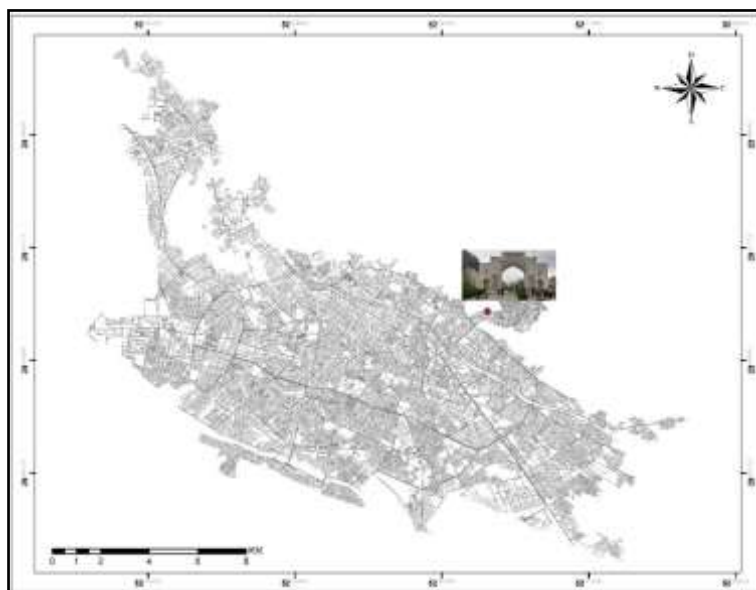
متغیرها	ردیف	گویه‌ها
بُعد کالبدی منظر	۱	تناسبات فضایی اجزاء و عناصر محیط دروازه قرآن مطلوب است.
	۲	آرایش فضایی و مکان‌گزینی انواع مبلمان شهری در محیط پیرامون دروازه قرآن مطلوب است.
	۳	روی هم رفته، بنای دروازه قرآن از نظر طرح، فرم، مقیاس و مصالح برای من جذاب است.
	۴	نحوه ترکیب اجزاء و عناصر محیط طبیعی و مصنوع در محیط پیرامون دروازه قرآن مطلوب است.
	۵	کریدورهای دید و نفوذپذیری بصری در محیط پیرامون دروازه قرآن مطلوب است.
بُعد عملکردی منظر	۶	در محدوده اطراف دروازه قرآن فعالیت‌های متنوعی دایر است.
	۷	در این محدوده از شهر، رویدادهای فرهنگی و هنری جالبی برگزار می‌شود.
	۸	کیفیت عبور و مرور و حمل و نقل در این محدوده از شهر مطلوب است.
بُعد زیباشناختی منظر	۹	چشم‌انداز محیط دروازه قرآن زیبا و چشم‌نواز است.
	۱۰	نظم و ترتیب اجزا و عناصر محیط دروازه قرآن بسیار مطلوب است.
	۱۱	کیفیت روشنایی و نورپردازی در محیط دروازه قرآن مطلوب است.
بُعد ادراکی منظر	۱۲	با حضور در محیط دروازه قرآن احساس آرامش می‌کنم.
	۱۳	محیط دروازه قرآن و به سادگی قابل ادراک است.
	۱۴	محیط دروازه قرآن سرزنده و پویاست.
بُعد معنایی منظر	۱۵	دروازه قرآن و محیط پیرامون آن اصیل و با معنی است.

^۱. Shaykh-Baygloo

۱۶	محیط دروازه قرآن بازتابی از بافت فرهنگی-اجتماعی شهر شیراز است.	تعلق مکانی
۱۷	دروازه قرآن و محیط پیرامون آن خاطره‌انگیز و خاطره‌ساز است.	
۱۸	من به دروازه قرآن احساس تعلق خاطر شدیدی دارم.	
۱۹	هر گاه برای مدتی دروازه قرآن را نبینم، دلم برای آن تنگ می‌شود.	
۲۰	احساس می‌کنم دروازه قرآن بخشی از وجود من است.	
۲۱	برای گذران اوقات فراغت، دروازه قرآن بهترین مکان است.	
۲۲	من از حضور در دروازه قرآن بیش از هر جای دیگری لذت می‌برم.	
۲۳	در فضای دروازه قرآن، رفتار مردم با یکدیگر معمولاً دوستانه است.	

پس از تکمیل پرسشنامه، شاخص‌های چولگی و کشیدگی متغیرهای مورد مطالعه محاسبه گردید که همگی آنها در بازه‌ی (+۱ و -۱) قرار گرفتند. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از سازه‌ها و همچنین برای کل متغیرها محاسبه شد. مقدار این ضریب در همگی موارد بیشتر از ۰/۷۰ و قابل قبول می‌باشد. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای، تحلیل رگرسیون خطی و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. محدوده مورد مطالعه، دروازه قرآن و محیط پیرامون آن است. موقعیت مکانی دروازه قرآن در شهر شیراز و تصویری از منظر محیط آن به ترتیب در شکل‌های ۲ و ۳ نمایش داده شده است.

دروازه قرآن نه فقط یک بنای تاریخی، بلکه نمادی از هویت فرهنگی، مذهبی و شهری شیراز می‌باشد که نقش آن فراتر از کارکرد معماری‌اش به عنوان یک دروازه ورودی است. این اثر تاریخی، از سده‌های گذشته تا امروز، در ذهن جمعی مردم شیراز به عنوان نشانه‌ی ورود به این شهر بجای گرفته و با قرار دادن قرآن بر بالای آن، پیوندی میان امر قدسی و زندگی روزمره شهروندان ایجاد کرده است. بازسازی‌های مکرر آن در دوره‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که جامعه شهری همواره تلاش کرده تا با حفظ ظاهر و معنا، این نماد را در متن تحولات شهری زنده نگه دارد. بنابراین، دروازه قرآن را می‌توان آینه‌ای از استمرار هویت تاریخی، فرهنگی و زیبایی‌شناسی دانست که هم حافظه‌ی گذشته را زنده می‌کند و هم در شکل‌گیری تصویر امروزی شیراز نقش محوری دارد.



شکل ۲- موقعیت مکانی دروازه قرآن در شهر شیراز



شکل ۳- تصویری از منظر دروازه قرآن در شهر شیراز

۳- یافته‌ها

۳-۱- وضعیت پیش‌شرط‌های تحلیل رگرسیون

پیش از اجرای فرایند محاسبه‌ی آماری تحلیل رگرسیون برای اثر کیفیت منظر بر تعلق مکانی، پیش‌شرط‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. نخستین پیش‌شرط مورد بررسی، استقلال مشاهدات یا مستقل بودن باقی-مانده‌های همجوار است. جهت بررسی استقلال مشاهدات، از آزمون دوربین-واتسون^۱ بهره گرفته شد. مقدار محاسبه شده برای آماره‌ی دوربین-واتسون برابر با ۱/۹۰۲ است که مطلوب تلقی می‌شود. عدم وجود همخطی

^۱ . Durbin-Watson

میان متغیرهای مستقل، پیش شرط دیگری برای انجام تحلیل رگرسیون است که بررسی آن از طریق محاسبه‌ی «شاخص تحمل» و «عامل تورم واریانس VIF»^۱ امکان‌پذیر است. شاخص تحمل محاسبه شده برای متغیرهای مستقل بدین شرح است: کیفیت کالبدی منظر: ۰/۵۷۱، کیفیت زیباشناختی منظر: ۰/۷۸۹، کیفیت عملکردی منظر: ۰/۷۹۴، کیفیت ادراکی منظر: ۰/۷۱۳، و مطلوبیت معنایی منظر: ۰/۶۴۸. عامل تورم واریانس برای هر یک از ابعاد کیفیت منظر شامل «کالبدی»، «عملکردی»، «زیباشناختی»، «ادراکی» و «معنایی» به ترتیب ۱/۷۵۰، ۱/۲۵۹، ۱/۲۶۸، ۱/۴۰۲ و ۱/۵۴۴ می‌باشد. بر این اساس، همخطی متغیرهای مستقل در حد کم و مطلوب است. یکی دیگر از پیش شرط‌های تحلیل رگرسیون همگن بودن واریانس باقی‌مانده‌ها یا خطاهاست که بررسی آن از طریق ترسیم نمودار پراکندگی صورت پذیرفت و مورد تأیید قرار گرفت. نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌ها یا خطاها از دیگر پیش شرط‌های تحلیل رگرسیون است. نتیجه‌ی آزمون کلموگروف-اسمیرنوف دارای سطح معناداری ۰/۲۰۰ است که بر اساس آن فقدان تفاوت معنادار توزیع خطاها با توزیع نرمال تأیید می‌شود. خطی بودن رابطه‌ی بین متغیر مستقل و وابسته، ضرورت دیگری برای تحلیل رگرسیون است. بدین منظور، نمودار پراکندگی ترسیم شد و ملاحظه شد که بین متغیرهای مستقل و وابسته، رابطه‌ی خطی برقرار است.

۳-۲- ویژگی‌های عمومی جمعیت نمونه‌ی تحقیق

جمعیت نمونه‌ی تحقیق در این مطالعه ۳۸۹ نفر متشکل از ۲۴۶ نفر زن و ۱۴۳ نفر مرد است که به ترتیب ۶۳/۲ درصد و ۳۶/۸ درصد را تشکیل می‌دهند. این افراد در بازه‌ی سنی ۱۸ تا ۷۲ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها ۳۶/۷ است. مدت زمان سکونت جمعیت نمونه‌ی تحقیق در شهر شیراز به طور متوسط حدود ۲۸ سال است. از نظر وضعیت تأهل، ۴۳/۴ درصد افراد مجرد و ۵۶/۶ درصد متأهل هستند. ۵۴/۸ درصد افراد در شهر شیراز متولد شده‌اند. محل تولد ۳۰/۶ درصد از افراد در روستا یا شهر دیگری در استان فارس است و ۱۴/۷ درصد نیز در خارج از استان فارس متولد شده‌اند. از نظر وضعیت شغل و فعالیت، ۴۴/۲ درصد شاغل، ۷/۲ درصد بیکار، ۱۹/۳ درصد در حال تحصیل، ۲۲/۹ درصد خانه‌دار و ۶/۴ درصد بازنشسته هستند. سطح تحصیلات جمعیت مورد مطالعه بدین شرح است: تحصیلات ابتدایی ۲/۱ درصد، ۱۰/۵ درصد تحصیلات راهنمایی، ۹ درصد در سطح دبیرستان، ۱۹/۵ درصد دیپلم، ۱۳/۱ درصد فوق دیپلم، ۲۸/۸ درصد لیسانس، و ۱۷ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس یا بالاتر می‌باشند. ۲/۸ درصد پاسخگویان برای نخستین بار در محیط دروازه قرآن حضور داشتند؛ ۴/۹ درصد افراد دو بار این فضا را تجربه نموده‌اند؛ ۱۴/۴ درصد، ۳ تا ۵ بار از این

^۱ . VIF: Variance Inflation Factor

مکان بازدید کرده‌اند؛ ۲۲/۴ درصد بین ۶ تا ۱۰ بار، و ۵۵/۵ درصد بیش از ۱۰ بار اوقات فراغت خود را در محیط دروازه قرآن گذرانده‌اند.

۳-۳- سطح کیفیت منظر و تعلق مکانی در نمونه‌ی مورد مطالعه

سطح کیفیت منظر و تعلق مکانی در نمونه‌ی مورد مطالعه با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای با معیار میانگین ۳ مورد بررسی قرار گرفت. آماره‌های توصیفی مربوط به هر یک از ابعاد کیفیت منظر و تعلق مکانی در جدول ۲ ارائه شده است. ملاحظه می‌شود که سطح کیفیت منظر در هر یک از ابعاد پنج‌گانه‌ی کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی از سطح متوسط بالاتر است. سطح تعلق مکانی جمعیت نمونه‌ی تحقیق به محیط دروازه قرآن نیز از سطح متوسط بالاتر و برابر با ۳/۵۲ است.

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار از میانگین
بُعد کالبدی منظر	۳/۶۵	۰/۷۸	۰/۰۴۰
بُعد عملکردی منظر	۳/۲۵	۱/۰۳	۰/۰۵۲
بُعد زیباشناختی منظر	۳/۴۸	۰/۸۹	۰/۰۴۵
بُعد ادراکی منظر	۳/۴۲	۰/۹۱	۰/۰۴۶
بُعد معنایی منظر	۳/۸۵	۰/۸۳	۰/۰۴۲
تعلق مکانی	۳/۵۲	۰/۸۲	۰/۰۴۱

مأخذ: مطالعات نگارندگان

بر اساس نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقادیر میانگین ابعاد پنج‌گانه‌ی منظر تفاوت معناداری با حد متوسط دارند، به گونه‌ای که می‌توان نتیجه گرفت سطح کیفیت ابعاد کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی منظر از دیدگاه شهروندان از حد متوسط بالاتر است. همین نتیجه در مورد متغیر تعلق مکانی نیز صادق است (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای

متغیر	آماره	درجه آزادی	سطح	۹۵٪ فاصله اطمینان تفاوت
-------	-------	------------	-----	-------------------------

	t	معناداری	تفاوت میانگین	کران پایین	کران بالا
بُعد کالبدی منظر	۱۶/۴۷	۳۸۸	$< ۰/۰۰۱$	۰/۵۷۸	۰/۷۳۵
بُعد عملکردی منظر	۴/۸۴	۳۸۸	$< ۰/۰۰۱$	۰/۱۵۰	۰/۳۵۵
بُعد زیباشناختی منظر	۱۰/۶۰	۳۸۸	$< ۰/۰۰۱$	۰/۳۹۰	۰/۵۶۷
بُعد ادراکی منظر	۹/۱۶	۳۸۸	$< ۰/۰۰۱$	۰/۳۳۲	۰/۵۱۴
بُعد معنایی منظر	۲۰/۲۹	۳۸۸	$< ۰/۰۰۱$	۰/۷۷۲	۰/۹۳۸
تعلق مکانی	۱۲/۶۳	۳۸۸	$< ۰/۰۰۱$	۰/۴۴۳	۰/۶۰۶

مأخذ: مطالعات نگارندگان

۳-۴- اثر کیفیت منظر بر تعلق مکانی

مقدار ضریب رگرسیون محاسبه شده برای اثر کیفیت منظر بر تعلق مکانی برابر با ۰/۷۳۷ است. ضریب تعیین به دست آمده برابر با ۰/۵۴۴ است. این ضریب نمایانگر آن است که ۵۴/۴ درصد از واریانس تعلق مکانی شهروندان به دروازه قرآن به وسیله‌ی واریانس کیفیت منظر قابل تبیین است. ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با ۰/۵۳۸ محاسبه شد. به منظور بررسی معناداری آهاری ضرایب به دست آمده، به نتایج تحلیل واریانس در مدل رگرسیون (ANOVA) رجوع شد. با توجه به این که $P\text{-value} < 0.001$ چنین نتیجه گرفته می‌شود که اثر هم‌زمان پنج بُعد کیفیت منظر شامل کیفیت کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی بر تعلق مکانی معنادار است. قابل ذکر است که این یافته‌ها مربوط به اثر جمعی پنج متغیر مستقل مذکور است. برای بررسی نقش هر یک از این متغیرها در تبیین متغیر وابسته، ضریب رگرسیون هر یک از ابعاد پنج‌گانه‌ی کیفیت منظر مورد بررسی قرار گرفت. طبق نتایج گزارش شده در جدول ۴، اثر هر پنج متغیر کیفیت منظر بر تعلق مکانی معنادار است. در میان ابعاد مختلف کیفیت منظر، بیشترین مقدار ضریب بتای استاندارد مربوط به بُعد معنایی منظر دروازه قرآن و برابر با ۰/۲۹۷ است. برتری بُعد معنایی منظر ($\beta=0.297$) نسبت به سایر ابعاد را می‌توان در ماهیت عمیق‌تر و پایدارتر این بُعد در فرآیند شکل‌گیری تعلق مکانی تبیین کرد. بُعد معنایی با ارجاع به مفاهیمی چون اصالت، هویت فرهنگی و خاطره‌انگیزی، مستقیماً با لایه‌های نمادین و ذهنی ادراک انسان از مکان در ارتباط است و برخلاف ابعاد کالبدی یا عملکردی که بیشتر به ویژگی‌های عینی وابسته‌اند، قادر است پیوندهای عاطفی ماندگارتری ایجاد کند. در مورد دروازه قرآن، به‌عنوان یک نشانه شهری تاریخی و واجد بار فرهنگی - هویتی، این معانی به‌صورت تداعی‌های ذهنی مشترک در میان شهروندان بازتولید شده و به تقویت احساس «تعلق» منجر می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت هرچه یک فضا واجد معانی نمادین قوی‌تر و قابلیت

خاطره‌سازی بیشتری باشد، احتمال شکل‌گیری تعلق مکانی در آن افزایش می‌یابد. پس از آن، بُعد ادراکی با ضریب بتای استاندارد ۰/۲۲۵ بیشترین اثر را بر تعلق مکانی دارد. بُعد کالبدی با ضریب اثر ۰/۲۰۸ در جایگاه بعدی قرار دارد. ضریب اثر ابعاد عملکردی و زیباشناختی نیز به ترتیب برابر با ۰/۱۸۴ و ۰/۱۳۳ محاسبه شد. به منظور تشخیص تفاوت ضرایب رگرسیون مذکور، فواصل اطمینان برای مقادیر استاندارد ضرایب بتا مورد توجه قرار گرفت و نتیجه‌ی آن نشان داد که ضرایب تأثیر ابعاد زیباشناختی، ادراکی، عملکردی و کالبدی فاقد تفاوت معنادار با یکدیگر هستند. ضریب تأثیر بُعد معنایی نیز تفاوت معناداری با ضرایب ابعاد کالبدی و ادراکی ندارد، ولیکن با ضرایب تأثیر ابعاد زیباشناختی و عملکردی تفاوت معناداری دارد.

جدول ۴- ضرایب اثر رگرسیون کیفیت منظر بر تعلق مکانی

مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد بتا	آماره t	سطح معناداری Sig.	۹۵٪ فواصل اطمینان برای ضریب بتا	
	خطای استاندارد	بتا				کران بالا	کران پایین
ثابت	۰/۰۰۹	۰/۱۶۹	—	۰/۰۵۳	۰/۹۵۷	۰/۳۴۱	-۰/۳۲۳
بُعد زیباشناختی	۰/۰۳۶	۰/۱۲۲	۰/۱۳۳	۳/۴۲۸	۰/۰۰۱	۰/۱۹۳	۰/۰۵۲
بُعد ادراکی	۰/۰۳۷	۰/۲۰۲	۰/۲۲۵	۵/۵۰۲	۰/۰۰۰	۰/۲۷۴	۰/۱۳۰
بُعد عملکردی	۰/۰۳۱	۰/۱۴۶	۰/۱۸۴	۴/۷۴۹	۰/۰۰۰	۰/۲۰۷	۰/۰۸۶
بُعد کالبدی	۰/۰۴۸	۰/۲۱۷	۰/۲۰۸	۴/۵۵۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۰	۰/۱۲۳
بُعد معنایی	۰/۰۴۲	۰/۲۹۳	۰/۲۹۷	۶/۹۳۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۶	۰/۲۱۰

مأخذ: مطالعات نگارندگان

۳-۵- کیفیت ادراک شده از منظر دروازه قرآن بر حسب فراوانی بازدید شهروندان

۳-۵-۱- بُعد زیباشناختی منظر و فراوانی بازدید

مقدار میانگین کیفیت زیباشناختی منظر دروازه قرآن برای افرادی که نخستین تجربه‌ی حضور در این محیط را داشته‌اند، برابر با ۳/۶۳ است. مقدار میانگین این متغیر برای افرادی که دو بار محیط دروازه قرآن را تجربه نموده‌اند، ۳/۶۶، برای افراد با ۳ تا ۵ بار بازدید ۳/۴۱، برای شهروندان با ۶ تا ۱۰ بار بازدید ۳/۴۴، و برای آن دسته از افرادی که بیش از ۱۰ بار تجربه‌ی حضور در این مکان را داشته‌اند، ۳/۴۹ است. به منظور بررسی معناداری تفاوت گروه‌های مختلف دفعات بازدید از نظر میانگین کیفیت کالبدی منظر، از آزمون تحلیل واریانس

یکطرفه استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که سطح معناداری آماره ی لون^۱ برابر با ۰/۱۳۳ و بزرگتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، فرض برابری واریانس گروه‌های مختلف از نظر فراوانی بازدید برقرار است. به منظور بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F فیشر استفاده شد. با توجه به این که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۷۹۳ و بزرگتر از ۰/۰۵ است، نتیجه گرفته می‌شود که بین گروه‌های مختلف افراد با دفعات بازدید متفاوت، تفاوت معناداری از نظر کیفیت کالبدی منظر وجود ندارد.

۳-۵-۲- بُعد ادراکی منظر و فراوانی بازدید

میانگین بُعد ادراکی منظر بر حسب دفعات بازدید بدین شرح است: یک بار تجربه‌ی حضور در محیط: ۳/۱۵؛ دو بار حضور در مکان: ۳/۶۵؛ بین ۳ تا ۵ بار بازدید: ۳/۱۹؛ بین ۶ تا ۱۰ بار حضور در محیط: ۳/۴۱ و بیش از ۱۰ بار تجربه‌ی مکان: ۳/۴۸. به منظور بررسی معناداری تفاوت گروه‌های مختلف دفعات بازدید از نظر میانگین کیفیت ادراکی منظر، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون، سطح معناداری آماره ی لون برابر با ۰/۲۲۲ و بزرگتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، فرض برابری واریانس گروه‌های مختلف برقرار است. به منظور بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F فیشر استفاده شد. با توجه به این که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۱۵۲ و بزرگتر از ۰/۰۵ است، این طور استنباط می‌شود که بین گروه‌های مختلف افراد با دفعات بازدید متفاوت، تفاوت معناداری از نظر کیفیت ادراکی منظر وجود ندارد.

۳-۵-۳- بُعد عملکردی منظر و فراوانی بازدید

میانگین کیفیت عملکردی منظر دروازه قرآن برای گروه‌های مختلف از ۳/۲۰ تا ۳/۴۸ متغیر است. بدین ترتیب که برای گروه یک بار بازدید ۳/۴۸، برای گروهی که دو بار تجربه‌ی حضور در مکان را داشته‌اند ۳/۴۵، برای افراد با ۳ تا ۵ بار بازدید ۳/۲۵، برای افراد با ۶ تا ۱۰ بار حضور در مکان ۳/۳۰ و برای دفعات بازدید بیش از ۱۰ بار ۳/۲۰ است. بررسی معناداری تفاوت گروه‌های مختلف دفعات بازدید از نظر میانگین کیفیت عملکردی منظر، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه صورت پذیرفت. با توجه به این که سطح معناداری آماره ی لون برابر با ۰/۱۱۰ و بزرگتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، فرض برابری واریانس گروه‌های مختلف برقرار است. به منظور بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F فیشر استفاده شد. با توجه به این که سطح معناداری این آزمون برابر با ۰/۷۲۷ و بزرگتر از ۰/۰۵ است، این طور استنباط می‌شود که بین گروه‌های مختلف افراد با دفعات بازدید مختلف، تفاوت معناداری از نظر کیفیت عملکردی منظر وجود ندارد.

^۱ . Levene

۳-۵-۴- بُعد کالبدی منظر و فراوانی بازدید

مقدار میانگین سطح مطلوبیت کالبدی منظر دروازه قرآن برای گروه‌های مختلف بین ۳/۴۱ تا ۳/۷۰ متغیر است. به طوری که برای گروه افراد با یک بار بازدید ۳/۴۱، برای گروه ۲ بار بازدید ۳/۷۰، برای گروه ۳ تا ۵ بار بازدید ۳/۶۱، برای بازدیدکنندگان با فراوانی ۶ تا ۱۰ بار بازدید ۳/۶۹ و برای آن دسته از افرادی که بیش از ۱۰ بار تجربه‌ی حضور در این محیط را داشته‌اند، ۳/۶۵ است. از تحلیل واریانس یکطرفه جهت تشخیص تفاوت گروه‌های مختلف از نظر میانگین کیفیت کالبدی منظر استفاده شد. سطح معناداری آماره‌ی لون برابر با ۰/۷۸۹ محاسبه شد و بدین ترتیب فرض برابری واریانس گروه‌های مختلف تأیید می‌شود. بررسی تفاوت میانگین‌ها از طریق آزمون F فیشر نشان داد که با توجه به سطح معناداری این آزمون که ۰/۸۳۳ و بزرگتر از ۰/۰۵ است، دیدگاه گروه‌های مختلف نسبت به کیفیت کالبدی منظر دروازه قرآن تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد.

۳-۵-۵- بُعد معنایی منظر و فراوانی بازدید

میانگین بُعد معنایی منظر بر حسب فراوانی حضور در محیط دروازه قرآن برای گروه‌های مختلف بدین شرح است: گروه یک بار بازدید: ۳/۸۴، گروه دو بار بازدید ۴/۰۳، گروه ۳ تا ۵ بار بازدید ۳/۸۳، گروه ۶ تا ۱۰ بار بازدید: ۳/۸۶، و گروه بیش از ۱۰ بار بازدید: ۳/۸۴. به منظور بررسی معناداری تفاوت گروه‌های مختلف دفعات بازدید از نظر میانگین بُعد معنایی منظر، از تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شد. بر اساس نتایج این آزمون، سطح معناداری آماره‌ی لون برابر با ۰/۵۰۶ و اندکی بزرگتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض برابری واریانس گروه‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه‌ی آزمون F فیشر برای بررسی تفاوت میانگین‌ها دارای سطح معناداری ۰/۹۱۰ است و بر این اساس، بین گروه‌های ذکر شده با دفعات بازدید مختلف، تفاوت معناداری از نظر بُعد معنایی منظر وجود ندارد.

۳-۶- تعلق مکانی نسبت به دروازه قرآن بر حسب فراوانی بازدید شهروندان

سطح تعلق مکانی جمعیت نمونه‌ی تحقیق نسبت به دروازه قرآن برای گروه‌های مختلف بر حسب دفعات حضور در این مکان، بدین شرح است: گروه یک بار بازدید: ۳/۵۷، گروه دو بار بازدید ۳/۸۶، گروه ۳ تا ۵ بار بازدید ۳/۳۵، گروه ۶ تا ۱۰ بار بازدید: ۳/۴۸، و گروه بیش از ۱۰ بار بازدید: ۳/۵۵. به منظور بررسی معناداری تفاوت گروه‌های مختلف دفعات بازدید از نظر میانگین تعلق مکانی، از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده

شد. نتایج این آزمون نشان داد که سطح معناداری آماری لون برابر با $0/992$ و بزرگتر از $0/05$ است و بنابراین، فرض برابری واریانس گروه‌های مختلف برقرار است. به منظور بررسی تفاوت میانگین‌ها از آزمون F فیشر استفاده شد. با توجه به این که سطح معناداری این آزمون برابر با $0/174$ و بزرگتر از $0/05$ است، نتیجه گرفته می‌شود که بین گروه‌های مختلف افراد با دفعات بازدید متفاوت، تفاوت معناداری از نظر تعلق مکانی نسبت به محیط دروازه قرآن وجود ندارد.

۴- بحث

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت منظر محیط دروازه قرآن در تمامی ابعاد پنج‌گانه بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده و این امر به شکل معناداری با سطح نسبتاً بالای تعلق مکانی شهروندان همراه است؛ با این حال، تفسیر این یافته‌ها صرفاً در سطح توصیف کفایت نمی‌کند و نیازمند واکاوی انتقادی در چارچوب ادبیات نظری و شرایط خاص فضایی-کارکردی این مکان است. نخست آن‌که برتری بُعد معنایی نسبت به سایر ابعاد، نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده لایه‌های نمادین، تاریخی و فرهنگی در فرآیند شکل‌گیری تعلق مکانی است. این نتیجه را می‌توان در چارچوب رویکردهای انسان‌گرایانه در جغرافیای شهری تبیین کرد که بر اهمیت «معنا» و «تجربه زیسته» در ادراک مکان تأکید دارند. برخلاف ابعاد کالبدی و عملکردی که بیشتر به ویژگی‌های عینی و قابل اندازه‌گیری وابسته‌اند، بُعد معنایی با بازنمایی هویت تاریخی، خاطره جمعی و تداعی‌های فرهنگی، قادر است پیوندهای عمیق‌تر و پایدارتری میان انسان و مکان برقرار کند. در مورد دروازه قرآن، این پیوند به واسطه جایگاه آن به عنوان یک نشانه شهری تاریخی در ورودی شهر و همچنین حضور در حافظه جمعی شهروندان تقویت شده است؛ بنابراین، یافته حاضر نه تنها تأییدکننده نقش منظر در ایجاد تعلق مکانی است، بلکه نشان می‌دهد که همه ابعاد منظر به یک اندازه اثرگذار نیستند و لایه‌های معنایی از اولویت بالاتری برخوردارند.

این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است؛ برای مثال، مطالعه ژو و دو (۲۰۲۴) نیز بر رابطه مثبت بین عناصر منظر شهری و احساس تعلق تأکید دارد، اما تفاوت مهم آن با پژوهش حاضر در این است که در مطالعه مذکور، منظر بیشتر در قالب پیامدهای اجتماعی-روان‌شناختی بررسی شده، در حالی که در این پژوهش، تفکیک ابعاد پنج‌گانه امکان تحلیل دقیق‌تر سازوکار اثرگذاری را فراهم کرده است. همچنین، نتایج ژانگ و همکاران (۲۰۲۴) در خصوص نقش مناظر شاخص در تقویت هویت مکان، با یافته‌های این پژوهش همسو است، اما تمرکز آنان بر «هویت مکان» به عنوان یک سازه واسطه، در حالی است که پژوهش حاضر به طور مستقیم «تعلق مکانی» را مورد سنجش قرار داده است. این تمایز مفهومی نشان می‌دهد که تعلق مکانی می‌تواند به عنوان پیامدی فراتر از هویت مکانی و در سطحی عاطفی‌تر و تجربی‌تر تبیین شود. در همین راستا،

نتایج مطالعه لیو و همکاران (۲۰۱۸) نیز که بر نقش عناصر آشنای محلی در تقویت دلبستگی به محیط تأکید دارد، با یافته‌های این پژوهش قابل مقایسه است؛ با این تفاوت که در اینجا، آشنایی صرف با عناصر کالبدی کافی نیست، بلکه این عناصر زمانی اثرگذارند که واجد معنا و قابلیت بازنمایی فرهنگی باشند.

با وجود برخی یافته‌های هم‌سو، میان پژوهش حاضر و مطالعات پیشین وجوه تمایز مشخصی وجود دارد. به عنوان مثال، بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین، از جمله پژوهش‌های داخلی، بیشتر بر ابعاد کالبدی و زیبایی‌شناختی تأکید داشته‌اند و نقش ابعاد ادراکی و معنایی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چنین رویکردی می‌تواند به نوعی تقلیل‌گرایی در فهم رابطه انسان و محیط منجر شود. به بیان دیگر، ارتقاء کیفیت فیزیکی فضا بدون توجه به معانی فرهنگی و ادراکات ذهنی کاربران، الزاماً به تقویت تعلق مکانی منجر نخواهد شد. این موضوع به ویژه در فضاهای تاریخی و نمادین مانند دروازه قرآن اهمیت بیشتری دارد، زیرا مداخلات صرفاً کالبدی در چنین فضاهایی ممکن است حتی به تضعیف هویت و کاهش حس تعلق بینجامد.

به طور کلی، در پژوهش‌های پیشین، منظر شهری بیشتر در ارتباط با پیامد‌های اجتماعی-روان‌شناختی یا تاریخی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار داده شده است لیکن در مطالعه حاضر منظر شهری در قالب ابعاد کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی دیگر از وجوه تمایز اصلی مطالعه حاضر و مطالعات پیشین در این می باشد که در مطالعات پیشین عمدتاً بر یک یا دو بُعد از ابعاد منظر تأکید شده است. بدین ترتیب که برخی مفهوم‌پردازی‌ها محیط محور و برخی دیگر معنا محور بوده‌اند و به عبارتی، کمتر میان این ابعاد پیوند برقرار شده است. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن ابعاد مختلف منظر، مفهوم‌پردازی کامل‌تری از این مفهوم ارائه نموده است.

نتایج پژوهش گرجی‌پور و لطفی (۱۳۹۵) که نشان می‌دهد ضعف کیفیت منظر می‌تواند به کاهش هویت و تعلق مکانی منجر شود، به نوعی مکمل یافته‌های این پژوهش است. ترکیب این دو دسته از نتایج بیانگر آن است که رابطه بین کیفیت منظر و تعلق مکانی نه تنها مثبت، بلکه حساس و وابسته به نوع مداخله در محیط است. به عبارت دیگر، هرگونه مداخله کالبدی که منجر به از بین رفتن انسجام بصری، یکنواختی یا تخریب عناصر هویت‌بخش شود، می‌تواند اثر معکوس داشته باشد. این موضوع در شرایط توسعه نامتوازن شهری یا اجرای پروژه‌های عمرانی بدون توجه به زمینه تاریخی و فرهنگی، اهمیت دوچندان می‌یابد. در مورد دروازه قرآن، قرارگیری در یک محور پرتردد شهری و فشار ناشی از کارکردهای ترافیکی، این خطر را به همراه دارد که در صورت نبود مدیریت یکپارچه، کیفیت منظر و به تبع آن تعلق مکانی شهروندان تضعیف شود.

از سوی دیگر، عدم وجود تفاوت معنادار در ادراک کیفیت منظر و تعلق مکانی بر حسب دفعات بازدید، یافته‌ای قابل تأمل است که می‌تواند به دو صورت تفسیر شود. نخست آن‌که ویژگی‌های برجسته و نمادین این فضا به گونه‌ای است که حتی در نخستین مواجهه نیز قادر به ایجاد ادراک مثبت و حس تعلق اولیه است. این امر نشان‌دهنده قدرت «خوانایی» و «تصورپذیری» محیط است که در نظریات کلاسیک طراحی شهری نیز مورد تأکید قرار گرفته است. دوم آن‌که این نتیجه ممکن است بیانگر نوعی «ثبات ادراکی» در میان کاربران باشد، به این معنا که کیفیت منظر دروازه قرآن به سطحی از تعادل رسیده که تفاوت‌های فردی در تجربه استفاده تأثیر چندانی بر ارزیابی کلی افراد ندارد. با این حال، این یافته می‌تواند از منظر انتقادی نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا عدم تغییر در ادراک با افزایش دفعات بازدید ممکن است نشانه‌ای از محدود بودن تنوع تجربی و فقدان پویایی در فضا باشد. در چنین شرایطی، تداوم جذابیت فضا در بلندمدت ممکن است با چالش مواجه شود.

بر این اساس، می‌توان استدلال کرد که برای تقویت بعد معنایی و ادراکی منظر، صرف حفظ وضعیت موجود کافی نیست و نیاز به مداخلات هدفمند طراحی وجود دارد. این مداخلات می‌توانند شامل بازنمایی روایت‌های تاریخی و فرهنگی در قالب عناصر طراحی، تقویت نشانه‌های بصری مرتبط با هویت شیراز، ایجاد فضاهای تعاملی برای تجربه جمعی و خاطره‌سازی، و همچنین بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای تفسیر محیط باشند. در واقع، طراحی منظر در چنین فضاهایی باید از رویکرد صرفاً زیبایی‌شناختی فراتر رفته و به سمت «طراحی مبتنی بر معنا» حرکت کند. این رویکرد می‌تواند با ایجاد لایه‌های چندگانه ادراک، زمینه‌ساز شکل‌گیری تجربه‌ای عمیق‌تر و در نتیجه تعلق مکانی قوی‌تر شود.

در سطح سیاست‌گذاری شهری، نتایج این پژوهش دلالت‌های مهمی برای مدیریت شهری شیراز دارد. نخست آن‌که حفاظت از عناصر هویت‌بخش دروازه قرآن باید به عنوان یک اولویت در برنامه‌های توسعه شهری مورد توجه قرار گیرد. این عناصر شامل نه تنها بنای تاریخی دروازه، بلکه ترکیب آن با منظر طبیعی پیرامون، کریدورهای دید، و الگوهای فضایی موجود است. هرگونه مداخله در این محدوده باید با ارزیابی دقیق تأثیرات آن بر کیفیت منظر و ادراک شهروندان همراه باشد. دوم آن‌که لازم است هماهنگی میان نهادهای مختلف درگیر در مدیریت این فضا تقویت شود تا از بروز مداخلات پراکنده و ناسازگار جلوگیری گردد. سوم آن‌که توجه به کیفیت منظر به عنوان یک عامل کلیدی در ارتقاء کیفیت زندگی شهری و تقویت سرمایه اجتماعی، باید در سیاست‌های کلان شهری نهادینه شود.

به منظور تقویت بعد معنایی و ادراکی منظر، مداخلات طراحی مبتنی بر «روایت‌مندی فضا» پیشنهاد می‌شود؛ از جمله بازنمایی تاریخ و هویت مکان از طریق عناصر نشانه‌ای، جداره‌های روایت‌گر و طراحی

مبتنی بر خاطره سازی. همچنین ارتقای خوانایی فضایی، تنوع تجربه حسی (نور، صدا، دید) و ایجاد فضاهای تعاملی، به تعمیق ادراک و تقویت پیوند عاطفی کاربران با محیط منجر خواهد شد.

یافته‌ها بر ضرورت حفاظت یکپارچه از عناصر هویت‌بخش (بنای تاریخی، کریدورهای دید، پیوند با طبیعت پیرامونی) تأکید دارند؛ لذا پیشنهاد می‌شود مدیریت شهری با تدوین ضوابط حفاظتی مبتنی بر منظر، از مداخلات ناهمگون جلوگیری کند. همچنین ایجاد سازوکار هماهنگی نهادی و ارزیابی اثرات منظرین پروژه‌های عمرانی، برای صیانت از هویت مکان ضروری است. هرگونه مداخله کالبدی فاقد حساسیت به زمینه تاریخی- فرهنگی می‌تواند به تضعیف بُعد معنایی و کاهش تعلق مکانی منجر شود. توسعه نامتوازن، از طریق برهم‌زدن انسجام بصری و تخریب نشانه‌های هویتی، موجب افت کیفیت ادراک محیط خواهد شد. بنابراین، رویکرد توسعه باید مبتنی بر «سازگاری منظرین» و حفظ پیوستگی فضایی- معنایی باشد.

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کیفیت منظر فضاهای عمومی شهری نه تنها بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی و عملکردی زندگی شهری تأثیرگذار است، بلکه نقش مهمی در شکل‌گیری پیوندهای عاطفی و هویتی میان شهروندان و محیط دارد. این پیوندها، که در قالب تعلق مکانی بروز می‌یابند، می‌توانند به عنوان یکی از ارکان پایداری اجتماعی شهرها تلقی شوند. با این حال، تحقق این امر مستلزم رویکردی یکپارچه در طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است که به طور همزمان ابعاد عینی و ذهنی منظر را مورد توجه قرار دهد. در غیر این صورت، خطر کاهش تدریجی کیفیت ادراک محیط و تضعیف حس تعلق، به ویژه در مواجهه با توسعه‌های نامتوازن و مداخلات غیرحساس به زمینه، دور از انتظار نخواهد بود.

۵- نتیجه گیری

پژوهش حاضر با مطالعه‌ی یک نمونه‌ی ۳۸۹ نفری از شهروندان ساکن شیراز که با هدف گذران اوقات فراغت، حداقل یک بار تجربه‌ی حضور در محیط دروازه قرآن این شهر را داشته‌اند، با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری مختلف به بررسی وضعیت کیفیت منظر، سطح تعلق مکانی و همچنین اثر کیفیت منظر بر تعلق مکانی پرداخته است. پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت منظر محیط دروازه قرآن از دیدگاه شهروندان در تمامی ابعاد پنج‌گانه کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی بالاتر از سطح متوسط ارزیابی شد و سطح تعلق مکانی افراد نسبت به این مکان نیز بالاتر از متوسط بود. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که کیفیت منظر و هر یک از ابعاد پنج‌گانه آن اثر مثبت و معناداری بر تعلق مکانی شهروندان دارند. این یافته‌ها اهمیت دروازه قرآن را به عنوان یک فضای عمومی شهری جذاب و هویت‌مند برجسته می‌کند که توانسته حس تعلق مکانی را ایجاد یا تقویت نماید.

روی هم رفته پژوهش حاضر، دروازه قرآن و محیط پیرامون آن را به عنوان یک فضای عمومی شهری معرفی می‌کند که کیفیت منظر آن از نظر شهروندان در حد قابل قبولی دارد و بدین سبب توانسته است حس تعلق مکانی افراد را ایجاد یا تقویت کند. تحقیقات آتی می‌توانند از طریق مطالعه‌ی سایر فضاهای عمومی شهری به ویژه مبادی ورودی شهر، ابعاد و جنبه‌های بیشتری از موضوع را بررسی و تحلیل نمایند. به عنوان مثال، پیشنهاد می‌شود علاوه بر کیفیت منظر، سایر عوامل مؤثر بر تعلق مکانی افراد به فضاهای شهری مطالعه شود. از نظر جامعه‌ی مورد مطالعه نیز تحقیقات بیشتری مورد نیاز است. جامعه‌ی آماری منظور شده در این پژوهش، شهروندان ساکن شهر شیراز هستند.

به علت اهمیت دروازه قرآن به عنوان یکی از مهم ترین مناظر با هویت تاریخی-فرهنگی شهر شیراز موارد زیر می‌تواند برای تقویت بُعد معنایی و ادراکی محیط مفید واقع شود:

- تقویت خوانایی فضایی از طریق طراحی مسیرهای پیاده‌مدار و نورپردازی هماهنگ با المان‌های تاریخی.
- ایجاد محورهای دید بصری کنترل‌شده تا دروازه همچنان نقطه‌ی عطف منظر ورودی شهر باقی بماند.
- برگزاری رویدادهای فرهنگی و آیینی در اطراف دروازه برای تقویت حس تعلق و پیوند عاطفی شهروندان.
- استفاده از نشانه‌های فرهنگی و روایی (تابلوهای تفسیری، نمادهای زیباشناسی شیرازی) برای بازآفرینی حس هویت تاریخی.
- تدوین طرح جامع حفاظت منظر فرهنگی دروازه قرآن با محوریت هویت تاریخی و نمادین منطقه.
- جلوگیری از تراکم‌سازی و ساخت‌وسازهای بی‌تناسب در محدوده دید مستقیم دروازه.
- توسعه برنامه‌های آموزشی و گردشگری فرهنگی برای ارتقای آگاهی عمومی نسبت به ارزش نمادین دروازه قرآن

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی:

- نگرش‌ها و دیدگاه‌های گردشگران نیز مورد بررسی قرار گیرد.
- کاستی‌های محیط و منظر در محدوده دروازه قرآن و فضاهای مشابه از دیدگاه کاربران مختلف مطالعه و بررسی شود و سایر فضاهای عمومی شهری، به ویژه مبادی ورودی شهر، را بررسی کنند.
- نگرش گردشگران را مورد مطالعه قرار دهند، نقاط ضعف و کاستی‌های محیط و منظر را از دیدگاه کاربران تحلیل نمایند
- همچنین عوامل دیگر مؤثر بر تعلق مکانی فراتر از کیفیت منظر را بررسی کنند تا تصویری جامع‌تر از سازوکارهای ایجاد تعلق مکانی ارائه شود.

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد پنج‌بعدی و جامع به منظر شهری، شامل ابعاد کالبدی، عملکردی، زیباشناختی، ادراکی و معنایی، تصویری کامل از تأثیر هر یک از ابعاد بر تعلق مکانی ارائه می‌دهد. بررسی مستقل بودن ادراک از تعداد دفعات بازدید نشان می‌دهد که حتی بازدیدهای محدود کافی است تا ادراک ویژگی‌های منظر و تعلق مکانی شکل گیرد. تمرکز بر دروازه قرآن به عنوان یک فضای عمومی شهری با هویت تاریخی-فرهنگی و قابلیت کاربرد مستقیم نتایج در برنامه‌ریزی و طراحی سایر فضاهای شهری، از دیگر جنبه‌های نوآورانه این مطالعه محسوب می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ تضاد منافعی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

۱. امیری، ن.، رستمی، م.، و دانایی، س. (۱۴۰۱). ارزیابی عوامل موثر بر حس تعلق شهروندان به فضاهای شهری مطالعه موردی: میدان انقلاب بندر بوشهر. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، (۲)، ۱۰-۱۶۴
doi: 10.22059/jurbangeo.2022.337599.1653
۲. جعفری‌ها، ر.، حیدری، غ.، و لک، ز. (۱۴۰۳). ارزیابی مؤلفه‌های زیباشناسانه منظر شهری (نمونه موردی: سبزه میدان قزوین). جغرافیا و توسعه فضایی شهری، (۲۷)، ۴-۱۵۱
https://doi.org/10.22067/jgusd.2024.85289.1358
۳. حسین زاده دلیر، ک.، موسوی، م.س.، بایرام زاده، ن.، و پاشاچینی، ه. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: خیابان امام «ره»-ارومیه). جغرافیا و توسعه فضایی شهری، (۱۷)، ۲-۵۳
https://doi.org/10.22067/jgusd.2021.67083.0
۴. حقی، م.، کریمی مشاور، م.، و زلفیگل، س. (۱۳۹۶). ارزیابی کیفیت منظر فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: میدان امام شهر همدان). محیط شناسی، ۳، ۵۴۱-۵۲۹
doi: 10.22059/jes.2017.218290.1007330
۵. حمزه، س.، و سالک، ج. (۱۴۰۰). بررسی معیارهای طراحی منظر شهری در جهت افزایش حس تعلق به مکان. هشتمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری (دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی و موسسه تحقیقات آب، ۲۸ بهمن ۱۴۰۰، تهران، ایران).
https://civilica.com/doc/1332050
۶. سجاد زاده، ح.، و و، سلمان. (۱۳۹۵). نقش منظر فضاهای شهری در میزان حس تعلق به مکان از دیدگاه شهروندان (نمونه موردی: میدان‌های شهری همدان). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، (۲)، ۸۸-۴۵
https://sanad.iau.ir/Journal/geography/Article/859603/FullText

۷. سیاف‌زاده، ع.، میره‌ای، م.، و نوده‌فراهانی، م. (۱۳۹۲). نقش کیفیت منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهروندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب). *مطالعات شهر ایرانی/اسلامی*، ۱۱، ۲۹-۳۹.
<https://www.sid.ir/paper/492620/fa>
۸. شاهرودی کلور، م.، تقی‌پور، م.، و گریست، ف. (۱۳۹۹). سنجش تطبیقی مؤلفه‌های حس مکان در عناصر کالبدی مساجد سنتی و معاصر شیراز (مورد پژوهی مسجد حاج علی، مسجد مشیرالملک، مسجدالرجا و مسجد دانشگاه). *اندیشه معماری*، ۸(۴)، ۵۰-۵۴.
doi: 10.30479/at.2020.10457.1165
۹. شیخ بیگلر، ر. (۱۳۹۶). ادراک شهروندان از محیط‌های پاسخ‌دهنده شهری و نقش آن در تعلق مکانی (مطالعه موردی: شهر اراک). *جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱(۶)، ۹۸-۷۷.
<https://doi.org/10.22067/gusd.v4i1.57093>
۱۰. شیخ بیگلر، ر. (۱۴۰۲). مکان و تعلق مکانی، چاپ اول، اصفهان: نشر کنکاش.
۱۱. کریمی مشاور، م.، سجاذزاده، ح.، و وحدت، س. (۱۳۹۴). سنجش اولویت‌های خوانش منظر فضاهای شهری از دیدگاه شهروندان (نمونه موردی: میدان‌های شهری همدان). *باغ نظر*، ۱۲(۳۷)، ۱۴-۳.
https://www.bagh-sj.com/article_12918.html?lang=fa
۱۲. کمیلی، م. (۱۳۹۴). تحلیل عملکرد عناصر هویت بخش به منظر شهری بخش مرکزی تهران؛ مورد پژوهشی: منطقه ۱۲. *مدیریت شهری و روستایی*، ۱۵(۴۲)، ۲۰۹-۲۲۶.
<https://ijurm.imo.org.ir/article-1-814-fa.html>
۱۳. گرجی‌پور، پ.، و لطفی، ک. (۱۳۹۵). بررسی هویت مکانی شهروندان با توجه به نقش کیفیت منظر شهری (مطالعه موردی: منطقه هفت اهواز). *دومین کنفرانس شهرسازی، مدیریت و توسعه شهری* (موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، ۲۸ مهر ۱۳۹۵، شیراز).
<https://civilica.com/doc/606982>
۱۴. محمدی، م.، جمشیدی شیخی آبادی، الف.، و لرزنگنه، م. (۱۴۰۳). سنجش حس تعلق مکان از منظر شاخص‌های کالبدی موردپژوهی: محله آبشوران شهر کرمانشاه. *آمایش محیط*، ۱۷(۶۵)، ۱۳۹-۱۶۴.
<https://sanad.iau.ir/en/Journal/ebtp/Article/988076>
۱۵. منصوری، ا. (۱۳۸۹). چستی منظر شهری، بررسی تاریخی تحولات مظاهر منظر شهری ایران. *ماهنامه منظر*، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
https://www.manzar-sj.com/article_405.html?lang=fa
۱۶. مویدی، م.، علی‌نژاد، م.، و نوایی، ح. (۱۳۹۲). بررسی نقش عناصر منظر شهری در ارتقای احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: محله اوین تهران). *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۴(۳)، ۱۵۹-۱۹۱.
<https://www.sid.ir/paper/498973/fa>
۱۷. نصیری، م. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان. *کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری* (موسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی، ۲۷ آذر ۱۳۹۴، یزد).
<https://sid.ir/paper/826595/fa>

۱۸. وحدت، س.، و ایزدی، م. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل شاخص های کیفی ارزش های پیاده مداری مسیرهای عابر پیاده با تاکید بر پیاده راه (نمونه موردی: محور تربیت تبریز). *جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۴(۱۳)، ۹۵-۱۱۲.
<https://sanad.iau.ir/fa/Journal/ges/Article/979335>
۱۹. وحیدزادگان، ف.، و زنگی آبادی، ع. (۱۴۰۰). ارزیابی منظر شهری به منظور تبیین برند گردشگری شهر نمونه مورد مطالعه: کلان شهر اصفهان. *برنامه ریزی و توسعه گردشگری*، ۳۶، ۴۷-۲۸. doi: 10.22080/jtpd.2021.20632.3452
۲۰. یوسفی، ع.، صادقی، ع.، عبداللهی، س.، و چرخ زرین، م. (۱۳۹۳). جامعه و فرهنگ شهری: منظر شهری. *ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مولفه های شهر اسلامی* (۲۰ آبان ۱۳۹۳، دانشگاه فردوسی مشهد، شورای اسلامی شهر مشهد و شهرداری مشهد، مشهد).
<https://www.sid.ir/paper/834775/fa>
21. Chen, S. S., & Jim, C. Y. (2003). Quantitative assessment of the treescape and cityscape of Nanjing, China. *Landscape ecology*, 18, 395-412. <https://doi.org/10.1023/A:1026146123459>
22. Crow, T., Brown, T., & De Young, R. (2006). The Riverside and Berwyn experience: Contrasts in landscape structure, perceptions of the urban landscape, and their effects on people. *Landscape and Urban Planning*, 75(3-4), 282-299. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2005.04.002>
23. Dutta, A. (2024). Connecting Nature and City Strategies For Resilient Urban Landscapes. *International Journal of Engineering Applied Sciences and Technology*, 9(5), 83-96. doi: 10.33564/IJEAST.2024.v09i05.010
24. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of environmental psychology*, 27(4), 310-319. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2007.06.003>
25. Jaśkiewicz, M. (2015). Place attachment, place identity and aesthetic appraisal of urban landscape. *Polish Psychological Bulletin*, 46(4), 573-578. doi: 10.1515/ppb-2015-0063
26. Kalaycı Önaç, A., & Gönüllü Sütçüoğlu, G. (2021). Effect of urban change on place attachment: evidence from two locations from a city in Turkey with similar historical landscape values. *Arabian Journal of Geosciences*, 14(11), 990. <https://doi.org/10.1007/s12517-021-07318-6>
27. Liu, Q., Fu, W., Van den Bosch, C. C. K., Xiao, Y., Zhu, Z., You, D., ... & Lan, S. (2018). Do local landscape elements enhance individuals' place attachment to new environments? A cross-regional comparative study in China. *Sustainability*, 10(9), 1-31. <https://doi.org/10.3390/su10093100>
28. Rollero, C., & De Piccoli, N. (2010). Place attachment, identification and environment perception: An empirical study. *Journal of environmental psychology*, 30(2), 198-205. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2009.12.003>
29. Shaykh-Baygloo, R. (2020). A multifaceted study of place attachment and its influences on civic involvement and place loyalty in Baharestan new town, Iran. *Cities*, 96, 102473. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102473>
30. Wright, S. (2024). Place and belonging. *Attachment*, 18(2), 133-143.

31. Zhang, F., Sun, X., Liu, C., & Qiu, B. (2024). Effects of Urban Landmark Landscapes on Residents' Place Identity: The Moderating Role of Residence Duration. *Sustainability*, 16(2), 761. <https://doi.org/10.3390/su16020761>
32. Zhu, Y., & Du, R. (2024). Evaluating the impact of urban landscape elements on the sense of security and local belonging-case study: Tongdejie, China. *Frontiers in Environmental Science*, 12, 1340394. <https://doi.org/10.3389/fenvs.2024.1340394>

نسخه
پیش
انتشار